

بسمه تعالی

رزومه حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین ملک زاده

تولد و خانواده

در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی (مطابق با ۱۳۹۹ هجری قمری و ۱۹۷۹ میلادی) در خانواده‌ای اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد. نامش را «محمد حسین» و لقبش را - به یاد صاحب تفسیر مجمع البیان - «امین الاسلام» نهادند.

پدر وی عالم زاهد آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا ملک‌زاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر علامه فقید آیه‌الله حاج سید محمد علم‌الهدی (قدس سره) - از نوادگان شهید رابع آیه‌الله میرزا محمد مهدی حسینی - می‌باشد.

هنگامه تولد او زمانی بود که پدرش ضمن همکاری علمی و سیاسی با آیه‌الله شهید دکتر مفتاح (قدس سره)، به منطقه قلعهک رفته و برای مدتی مسئولیت امامت جماعت و وعظ و ارشاد مردم را در مسجد محمدیه قلعهک (خیابان دولت) به عهده گرفته بود.

گام‌های نخستین

وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخش‌هایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانون‌های فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا می‌شد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیه قرآنی را فرا گرفت. و البته در سال‌های بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجسته‌ترین اساتید کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد.

آغاز تدریس

از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سن خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد.

حفظ قرآن

در همین سنین با جدّیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفه‌هایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید.

حرکت پرشتاب علمی در کودکی

عمده‌ترین سرگرمی‌اش در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتاب‌هایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتاب‌هایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتاب‌هایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوه‌های کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتاب‌هایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتاب‌های اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتاب‌های استاد شهید مرتضی مطهری - با صرف نظر از عنوان و موضوعشان - کتاب‌های محبوب و مورد علاقه این دوران او بود.

خود وی درباره این مقطع و رابطه‌اش با آثار آیة‌الله مطهری می‌گوید:

«با اصرار فراوان کتاب‌های عربی (عمدتاً درباره قرآن) را به پدرم می‌دادم که برایم بخواند، ترجمه کند و توضیح دهد. همچنین درباره مطالب مشکلی که در برخی کتاب‌ها خوانده بودم از ایشان توضیح می‌خواستم.

با آثار استاد شهید مرتضی مطهری (رضوان الله تعالی علیه) انس ویژه‌ای داشتم و از این طریق علاقه خاصی نیز به آن شهید بزرگوار پیدا کرده بودم و شاید به همین جهت بود که بارها ایشان را در عالم رؤیا زیارت کردم و پرسش‌هایم را با ایشان در میان گذاشتم. یادم هست یک بار درباره نسبت میان علم و دین از ایشان سؤال کردم که پاسخ جالب و توضیحات مفصلی را برایم طرح فرمودند. وقتی از خواب بیدار شدم بلافاصله آن مقدار از پاسخ ایشان را که در ذهنم مانده بود یادداشت کردم. بعدها آن پاسخ را برای برخی از اساتید بازگو کردم، خیلی برایشان جالب بود.

از جمله توفیقاتم این بود که وقتی در دوران نوجوانی برای راه‌اندازی نوارخانه‌ای در یکی از مساجد تهران یک دوره کامل از نوارهای سخنرانی شهید مطهری را فراهم آورده بودیم تمام آن نوارها را به دقت گوش کردم که استماع آن نوارها و خواندن کتاب‌های آن علامه مجاهد، تأثیر به‌سزایی در مهندسی ساختمان معرفتی من داشت.»

شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات

همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سن خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد.

تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی

پدر ایشان به شدت مقید بود که در تمامی ایام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده- سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانواده‌اش را هم با خود می‌برد. جالب آن که در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیت‌های اسلامی انجام می‌داد بلکه پسر کم سن و سال او نیز فعلاً وارد عرصه می‌شد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامه‌های زیادی را ترتیب می‌داد که از جمله این فعالیت‌ها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود.

علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (علیها السلام) را راه اندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامه‌هایی به مناسبت‌های مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی-سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود.

در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد.

در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود.

تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی)

از این سن به بعد فعالیت علمی-تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمان‌ها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاه‌های فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاه‌ها و دیگر کانون‌های فرهنگی و تربیتی شکل گسترده‌تری به خود گرفت. تا آنجا که در سن ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوان‌ترین مدرس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوان‌ترین مدرس بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود.

جوان ترین روزنامه نگار قرآنی کشور

در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سن ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیه الله گلپایگانی) به عنوان جوان ترین روزنامه نگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیرالانتشار به چاپ رسیده است.

نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان

یکی از فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحه قرآنی «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راه اندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار می آمد. شایان ذکر است این صفحه قرآنی پس از مدتی، با حفظ موضوع و محتوا، تغییر نام و صورت داد و به ستون ثابتی در روزنامه کیهان به نام «الترتیل» تبدیل شد و تا مدت‌ها به کار خود ادامه داد.

آغاز تألیف کتاب

حدود ۱۴-۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اول، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم» گردید.

نخستین دارالقرآن در مدارس کشور

آقای ملک زاده در سال‌های آغازین دهه هفتاد شمسی (سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآن‌ها اولین دارالقرآن‌های مدارس کشور بودند. درالقرآن در کنار انجمن اسلامی و بسیج دانش آموزی به عنوان تشکلی دانش آموزی شناخته می شد.

مدیریت موفق فرهنگی

کانون فرهنگی الزهرا (سلام الله علیها) را در سال ۱۳۷۴ در تهران تأسیس نمود و به دلیل مدیریت موفق فرهنگی، و انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی- آموزشی در این کانون، طی مراسمی، با اهداء لوح تقدیر به وسیله مسؤولان وقت سازمان تبلیغات اسلامی از وی تجلیل شد.

نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعه الكعبه»)

در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانش‌آموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد.

آنچه این مرکز را از بسیاری از مراکز قرآنی در داخل و خارج کشور متمایز می‌ساخت طرح‌های بسیار دقیق و موفق علمی و آموزشی این مرکز بود که همه این طرح‌ها و روش‌ها از ابداعات و ابتکارات آقای ملک‌زاده آن هم در سن ۱۷ سالگی بود. جالب آنکه وقتی برنامه‌ها و طرح‌های مجمع قرآنی کعبه به برخی از کشورهای عربی برده شد و با اساتید برجسته قرآن در سطح جهان اسلام، در میان گذاشته شد اعجاب و تحسین آنان را نیز برانگیخت.

از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعه الكعبه» فعالیت‌های قرآنی این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروه‌های علمی جامعه الكعبه می‌باشد، ادامه یافته است.

و اما جامعه الكعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت می‌باشد.

ورود به حوزه علمیه

عشق به تحصیل در حوزه علمیه را از کودکی در دل و جان خویش داشت؛ تا آنجا که در کلاس دوم ابتدایی وقتی معلمشان از دانش‌آموزان می‌خواهد انشایی با موضوع «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» بنویسند و بیشتر دانش‌آموزان، پزشکی و برخی خلبانی را به عنوان شغل محبوب خود معرفی می‌نمایند، او تنها کسی است که با نوشتن متنی استدلالی، آینده دیگری را برای خود ترسیم می‌کند و می‌نویسد: «اگر چه جسم آدمی مهم است اما قطعاً روح او مهمتر است به همین خاطر من می‌خواهم عالم دینی شوم تا طیب روح انسان‌ها باشم و جامعه را اصلاح کنم.»

با این وجود در سال‌های بعد در ضمن مطالعات گوناگونی که انجام می‌داده است به این نتیجه می‌رسد که علاوه بر فراگیری معارف اسلامی، به آشنایی با علوم انسانی و اجتماعی هم علاقمند است و مرکز رسمی آموزش اینگونه علوم نیز دانشگاه است و اگر بخواهد به حوزه برود و به صورت جدی به درس و بحث پردازد طبعاً باید از تحصیل در زمینه علوم انسانی و اجتماعی چشم‌پوشد. از سوی دیگر اطرافیان و نزدیکان وی نیز همگی با اصرار او را به تحصیل در دانشگاه تشویق می‌کردند. این

همه، اندکی او را در رفتن به حوزه سست می‌کند و سبب می‌شود که بر خلاف علاقه قویترش، در کنکور شرکت کند و در یکی از دانشگاه‌های تهران نیز قبول می‌شود اما همچنان عشق و علاقه فراوانی نسبت به حوزه داشت و نمی‌توانست از آن هم چشم‌پوشد و نگران بود که شاید با رفتن به دانشگاه دیگر این فرصت را پیدا نکند که به حوزه بیاید. این نگرانی و تردید ادامه می‌یابد تا بالاخره در یکی از ملاقات‌هایی که با مرحوم علامه محمد تقی جعفری (قدس سره) داشت با راهنمایی ایشان مشکل حل می‌شود.

حضرت علامه با عباراتی بدین مضمون می‌فرمایند: «هر کس می‌خواهد به درستی با علوم انسانی آشنا شود باید به حوزه علمیه برود. در آنجاست که می‌تواند همه این علوم را آن هم از منظر اسلام فرا بگیرد. هر چه بخواهند در دانشگاه به او بیاموزند بهتر و کاملتر از آن را می‌تواند در حوزه بیابد.»

بیان این جملات آن هم توسط علامه بزرگواری که با برجسته‌ترین دانشمندان جهان، ارتباط علمی داشت و بزرگترین شخصیت‌ها و اساتید دانشگاهی به آشنایی با او و شاگردی وی افتخار می‌کردند و هم بر حوزه و هم بر دانشگاه احاطه خوبی داشت، شک و تردیدی که تا حدودی بر وجود ملک‌زاده جوان، سایه افکنده بود را از بین برد و با خیالی آسوده و تصمیمی جدی‌تر از گذشته توانست به تحصیلات حوزوی روی آورد. و سرانجام پس از اتمام دوره دبیرستان در سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت.

مقدمات و سطح حوزه

از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال‌زدنی با استفاده از تمامی فرصت‌ها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی‌شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه‌ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کم‌نظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده می‌شود، به توفیق الهی در ظرف مدت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند.

این دروس را در محضر اساتید بزرگی همچون مرحوم آیه‌الله شیخ علی پناه اشتهاردی (قدس سره)، آیه‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و دیگر اساتید ارجمند فرا گرفت و بخش‌های دیگری از درس‌های این مقطع را هم بدون استاد خواند.

دروس خارج و اساتید

از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیة‌الله شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام:

مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد.

در ادامه در دروس خارج فقه حضرت آیة‌الله شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاء، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درس‌ها در تابستان‌ها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیة‌الله شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد و از محضر مبارک این اساتین و اساتید بزرگ حوزه های علمیه در عصر حاضر، کسب فیض نمود.

البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیة‌الله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد.

تفسیر قرآن

پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیة‌الله شیخ عبدالله جوادی آملی نیز بهره‌مند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت (قدس سره) هم حاضر شده، بهره‌های فراوانی برد.

فلسفه، اخلاق و عرفان

همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیة‌الله شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد. علاوه بر اینها در برخی دوره‌ها و درس و بحث‌های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است.

همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی، شیخ جواد کربلایی، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حاج آقای مجتهدی (قدس سرهما) و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است.

البته استفاده وی از آیة الله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی - به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر - بهره های قابل توجهی برده است.

از دیگر اساتید وی می توان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی می باشند و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان - از مقدمات تا خارج - به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداخته اند.

حضور غیر مستقیم در دروس علماء

از آنجا که سن ایشان اقتضاء نمی کرد که در دروس سال های گذشته بسیاری از علمای معاصر - اعم از حاضرین و درگذشتگان - شرکت نماید و درس های این بزرگان هم یا به چاپ نرسیده و یا اگر هم چاپ شده است، کامل و گویا نیست و با تغییر، حذف و اختصارهای فراوانی - که بعضاً لازمه تبدیل گفتار به نوشتار و تقریر نویسی بوده، یا ناشی از قصور فهم و بیان مقررین می باشد - به چاپ رسیده است، ایشان با استفاده از نوارهای ضبط شده از دروس این اساتید توانست تا حدود زیادی این نقیصه را جبران نماید و از مقدمات تا خارج و در رشته های گوناگون علمی اعم از ادبیات، منطق، فلسفه، فقه، اصول، رجال، ملل و نحل و همچنین مباحث اقتصادی از طریق استماع نوارها و CD های دروس اساتید بزرگ، خود را به حلقه درسی آنان ملحق سازد و مطالب علمی آنان را بی واسطه فهم و استنباط غیر، عیناً از لسان مبارک خودشان بشنود. که به طور مثال ایشان از برخی دروس خارج فقه مرحوم آیة الله خویی (قدس سره) و یا دوره خارج اصول مرحوم آیة الله سید محمد روحانی (قدس سره) به همین صورت بهره مند گردیده است.

اجازات

وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف - از جمله اجازه اجتهاد - از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است.

جوان ترین طلبه نویسنده

در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوان ترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید.

زبان های دیگر و فعالیت در خارج از کشور

با تسلط بر زبان های عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بین المللی به فعالیت های علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پردازد.

حضور در دانشگاه ها

طی این سالها به دانشگاه های بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاه ها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاه های علمی و آموزشی پرداخته است.

مطالعات تاریخی

افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند.

مسائل جدید

به مدت یک سال در دوره «شبهه شناسی و پاسخ گویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحب نظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغ التحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید وهابیت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفت شناسی» بودند.

البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفه های مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دین پژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمی گردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به

صورت شخصی در این زمینه‌ها داشته است، همایش‌ها، جلسات بحث، سخنرانی‌ها و یا مناظره‌هایی درباره این مسائل را هم پی‌گیری کرده و در برخی از کلاس‌ها یا دوره‌هایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام – همچون دروس جامعه‌شناسی اسلامی – یا معرفت‌شناسی و کلام جدید برگزار می‌شده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسش‌های نسل جوان تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است.

تدریس مباحث حوزوی

در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصول‌الفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة‌الاصول اشتغال داشته است.

شایان ذکر است تدریس‌های ایشان اختصاصی به ایام تحصیلی ندارد بلکه در ایام تعطیلی حوزه مانند تابستان، نوروز، پنج‌شنبه‌ها و جمعه‌ها و دیگر تعطیلات موجود در نظام حوزوی به صورت مضاعف به تدریس می‌پردازد. به طور مثال در تابستان که درس‌های رسمی تعطیل است ایشان هر روز صبح تا شب چندین جلسه درس برگزار می‌کند. به همین جهت است که در این مدت کوتاه (از زمان ورود به حوزه تاکنون) توانسته، علاوه بر اشتغالات علمی فراوان در عرصه‌های گوناگون، این تعداد کتاب حوزوی را با موفقیت تدریس نماید.

حلقات اصول

در میان دروس حوزوی، به دلیل جایگاه و اهمیت ویژه‌ای که ایشان برای حلقات اصول شهید صدر (قدس سره) قائل می‌باشد بارها به تدریس این کتاب پرداخته است. البته در آغاز، این تدریس‌ها به صورت خصوصی و برای جمع برگزیده‌ای از طلاب صورت می‌گرفت اما از تابستان ۱۳۸۳ با تأکیدات حضرت آیه‌الله سید کاظم حائری – شاگرد ممتاز شهید صدر و از مراجع تقلید حال حاضر – استاد ملک‌زاده به تدریس علنی و عمومی حلقات در سالن اجتماعات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پرداخت که این درس با استقبال چشمگیر طلاب و فضلاء حوزه، مواجه شد. و پس از آن هم درس حلقات را به درخواست گروه‌های مختلفی از طلاب در مدارس هم‌چون فیضیه، آیه‌الله گلپایگانی (قدس سره)، معصومیه (سلام الله علیها) و... به صورت عمومی برگزار کرده است.

بحث خارج

از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلا بیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است.

جوان ترین استاد

از جمله نکات بسیار جالب در حیات علمی این متفکر جوان این است که در تمامی سال‌های تدریس در مراکز و مدارس مختلف معمولاً به عنوان کم‌سن‌ترین استاد در آن مرکز علمی، مشغول به تدریس بوده است. و هم‌اکنون نیز با فاصله سنی چشمگیری نسبت به سایر اساتید، جزء جوانترین اساتید دروس خارج حوزه به شمار می‌آید.

همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه

از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعه الکعبه) می‌توان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است.

تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳)

از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار می‌گردید و سپس در ادامه سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوب‌های اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایه‌های معرفتی کادرهای اولیه جامعه الکعبه برگزار می‌شد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهم مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد.

آثار و تألیفات

جناب استاد ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و پژوهش‌هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می‌انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در

مطبوعات و یا ارائه شده به همایش های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود.

علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانی ها یا تدریس های ایشان در موضوعات مختلف در قالب CD ارائه شده و نرم افزارهایی هم بر اساس کتاب های ایشان و یا تحت اشراف علمی وی، طراحی و به بازار عرضه شده است.

منبع: سایت راسخون <http://111.ir/5jqt>